

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن

(صفحات ۹۵ تا ۱۲۵)

دکتر اسماعیل کاوسی^۱ * دکتر داود ستوده یگانه^۲

پذیرش: ۹۴/۴/۲۱

دریافت: ۹۴/۲/۱۸

چکیده

هدف اصلی در این مقاله شناسایی و ارایه الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن در کشور می باشد. روش این تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی و ابزار گرد آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل دست‌اندرکار امور فرهنگی و روابط بین الملل در سازمان‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت امور خارجه، سازمان صدا و سیما، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرکز ملی مطالعات جهانی شدن می باشند. به منظور بررسی نظرات جامعه آماری محدود و با هدف افزایش دقت نتایج از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است و تعداد نمونه برآورد شده ۱۲۰ نفر بود. یافته‌های تحقیق در بعد نظری فرهنگ را به عنوان مقوله‌ای هم وزن با سایر مؤلفه‌های قدرت هم چون سیاسی، اقتصادی، نظامی دانسته و حتی در برخی از

۱. دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال؛ نویسنده مسئول (ekavousy@yahoo.com)
۲. دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان

تئوری‌ها آن را مهمترین عامل و مبنای همگرایی یا واگرایی ملت‌ها پنداشته است. نتایج بدست آمده از آزمون فریدمن نیز نشان داد که فرهنگ در مقایسه با ۳ مؤلفه قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی در رتبه سوم اولویت قرار دارد. اما در بخش میدانی، اعضای جامعه آماری به رغم مهم انگاشتن نقش فرهنگ در سیاست خارجی، تأثیر فرهنگ را در این زمینه کمتر از قدرت سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند. در نهایت با جمع بندی و تجزیه و تحلیل نتایج آماری بر آمده از تحقیق میدانی یک الگوی عملیاتی بومی بر مبنای عامل فرهنگ که حاوی راهکارهایی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل برای توسعه روابط بین فرهنگی می‌باشد، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه، الگوی توسعه، روابط بین فرهنگی و جهانی شدن

مقدمه

در هزاره سوم، تحولات جدید جهانی، تغییرات بسیار بنیادی در عرصه سیاست خارجی کشورهای پدید آورده و روند روبه رشد جهانی شدن باعث نزدیک شدن دولت‌ها و ملت‌ها و در نتیجه تعامل یا برخورد فرهنگ‌ها با یکدیگر شده است، اگر در گذشته با اتکا به قدرت نظامی یا قدرت اقتصادی تحولات جهانی مدیریت می‌شد، اکنون بسترهای فرهنگی یکی از عوامل تعیین کننده در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود. امروزه جهان به شکلی درآمده است که باید در آن تبادل وجود داشته باشد. اگر جامعه‌ای به صورت هوشیارانه و مسئولانه با آن برخورد کند و مشارکت داشته باشد، می‌تواند ابتکار عمل را در دست گیرد، اما اگر در این امر مشارکت نکند، ابتکار عمل را از دست می‌دهد و زمان نیز به ضرر آن جامعه خواهد بود.

روند پیشرفت و توسعه فناوری ارتباطی چنان شتاب حیرت‌انگیزی دارد که دوران کنونی را «عصر اطلاعات» نام نهاده‌اند. تأثیر فناوری ارتباطی در حیات اجتماعی به دو شکل قابل بررسی است: یکی در قبال تبادل فرهنگ‌ها و دیگری در مورد حاکمیت دولت‌ها. توسعه این فناوری، ارتباط بین‌الملل را فراتر از ارتباط بین‌الدولی قرار داده است و فرهنگ‌ها به دور از حاکمیت جنبه‌های سیاسی، امکان تبادل و تعامل یافته‌اند (پورحسن، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

ارتباطات بین فرهنگی، هر نوع اطلاعات مبادله شده میان شخص پیامگیر و منبع انتقال‌دهنده پیام است که ویژگی‌های متفاوتی از فرهنگ دریافت کننده پیام دارد. منبع چنین پیامی می‌تواند فرآیند ارتباط شخصی یا شکل دیگری از رسانه باشد. ارتباط بین فرهنگی در کلی‌ترین مفهوم، زمانی رخ می‌دهد که عضوی از یک فرهنگ، پیامی را برای عضوی از فرهنگ دیگر ارسال می‌کند. به بیان دقیق‌تر، ارتباط بین فرهنگی ارتباط بین آن دسته از مردمی است که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادین شان به آن اندازه‌ای مجزا می‌باشد که رویداد ارتباطی را شکل دهد. این ارتباط گاه به صورت ارتباط میان مردم با فرهنگ‌های مختلف، به طور مکرر ایجاد می‌شود. البته این ارتباط سطوح مختلفی همچون روابط فرد با فرد، فرد با فرهنگ ملی، فرهنگ‌های درون یک جامعه و فرهنگی‌های ملی در جوامع مختلف با همدیگر دارد و در سطح فراملی، در

جریان رابطه فرهنگی، فرد در معرض سایر ارزش های فرهنگی قرار می گیرد و در نتیجه فرآیندی انعکاسی آغاز می شود که موجب تعامل مثبت بین اشخاص و فرهنگ ها می گردد (گودیکانست، ۲۰۰۲). منظور اصلی از ایجاد و توسعه روابط فرهنگی این است که ملل مختلف جهان با شناختن فرهنگ های یکدیگر نسبت به هم احساس تفاهم و احترام بیشتری کنند و این تفاهم و احترام متقابل یک نوع همبستگی و علاقه معنوی میان آنها ایجاد کند و همین امر موجب شود آنها اختلافات سیاسی و اقتصادی خود را از طرق مسالمت آمیز حل کنند و کار به جنگ سرد و یا گرم نکشد. اهمیت و حجم روابط فرهنگی دو و چند جانبه کشورها در دوران بعد از جنگ جهانی دوم نسبت به دوران پیش از آن چند برابر شده و کشورها ناگزیر هستند به موازات روابط سیاسی و اقتصادی با اکثر کشورهای دور و نزدیک روابط فرهنگی نیز ایجاد کرده و در بسط و توسعه این روابط بکوشند. از این رو در کشورهای مختلف جهان سازمان های متعددی اعم از دولتی و غیردولتی برای توسعه و تقویت روابط فرهنگی با سایر کشورها ایجاد شده اند (بیات، ۱۳۸۹). تعاملات فرهنگی یک تأثیر و عملکرد دوجانبه یک شخص یا گروه از یک ملیت یا سازمان با شخص یا افرادی از ملیت یا فرهنگ سازمانی دیگر است (رزکویتالسکا، ۲۰۱۰). ساده ترین راه برای مشاهده تعاملات فرهنگی، از لحاظ مهاجرت افراد از منطقه فرهنگی به فرهنگ دیگر است، اما واقعیت بسیار پیچیده تر است (تارتارون، ۲۰۱۲).^۲ این نشان می دهد که هیچ گروه جمعیت یا سنت های فرهنگی آن خالص و یا اصل نیست و اینکه آنها از تغییر داخلی و خارجی مصون نیستند. در عوض، فراتر از هویت های ساده از منشأ فرهنگی گسترش یافته و بر عمل اجتماعی تمرکز می کند که در پس هویت فرهنگی پویا و مرتبط و به طور مستمر توسط تجربیات کسانی که در ارتباط فرهنگی درگیر هستند، قرار دارد (براون، ۲۰۱۲). از سوی دیگر به نظر می رسد که در جهانی شدن فرهنگ ارتباطات نقش کلیدی دارد و از ارتباطات می توان به عنوان شاه کلید جهانی شدن فرهنگ نام برد (دبری، ۲۰۰۲). امروزه ضرورت ارتباطات و تعاملات فرهنگی بر کسی پوشیده نیست. بر اساس

1. Rozkwitalska
2. Tartaron
3. Brown

این واقعیت که جهانی شدن مستلزم آگاهی جدید از جهان به عنوان یک فضای واحد و محلی که در آن همه افراد با انواع پس زمینه و تفاوت‌های فرهنگی نیاز به تعامل دارند، توجه به مسائل مربوط به ارتباطات بین فرهنگی، روابط بین فرهنگی و تعامل فرهنگی و عوامل بهبود آن‌ها بیش از پیش مورد نیاز است. به ویژه برای کشور ایران که هم بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و هم طبق توصیه‌های دین اسلام با برقراری ارتباطات و تعاملات فرهنگی می‌تواند زمینه‌های ترویج و معرفی ارزش‌های دینی و ملی را فراهم آورد. حرکت در راستای توسعه و تکامل فرهنگی و تحقق کامل رشد و بالندگی فرهنگی در کشور، مستلزم وجود شرایط و مقدماتی است که در میان آن‌ها تعاملات فرهنگی صحیح با دیگر کشورها، نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. به اعتقاد اکثر نظریه پردازان همگرایی، ارتباطات و تبادل فرهنگی از مهم‌ترین کارکردهایی است که می‌تواند زمینه ساز هم‌گرایی منطقه‌ای و جهانی شود و با گسترش ارتباطات فرهنگی نیاز به همفکری و تبادل نظر بیشتر ضرورت پیدا می‌کند.

در مورد سیاست‌های فرهنگی جهان سوم می‌توان گفت که کشورهای جهان سوم در برابر چالش‌ها و فرصت‌های فزاینده جهانی شدن می‌بایست سیاست‌های فرهنگی را اتخاذ کنند که از این فرصت‌ها حداکثر استفاده را کنند و در مقابل آن از تهدیدهایی که فراروی این کشورها گشوده می‌شود کمتر آسیب بینند. ولی نکته اساسی این است که کشورهای جهان سوم با توجه به وضعیت خاصی که دارند، نتوانسته‌اند سیاست فرهنگی خاصی را در قبال جهانی شدن اتخاذ کنند. چون در این کشورها هیچ‌گونه توافقی بر ارزش‌های فرهنگی وجود ندارد و لذا نمی‌توان انتظار داشت که این کشورها یک سیاست فرهنگی منسجم و هم‌سوئی را در برابر امواج جهانی شدن اتخاذ نمایند. اما در سطح ملی این کشورها می‌توان گفت که هر یک از این کشورها با توجه به نیازها و اولویت‌های فرهنگی خود سیاست‌های فرهنگی خاصی را می‌توانند در پیش گیرند (ساعی، ۱۳۸۴). ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیازمند است با بهره‌گیری از سیاست‌های فرهنگی مدون و پیوسته در روابط خارجی از همه امکانات و داشته‌های خود در جهت گسترش و تعمیق روابط فراملی و ارتقای منافع ملی در سایه قدرت فرهنگی استفاده نماید.

البته کشور ما و سایر کشورهای جهان با جوامع و کشورهایایی که به نوعی در

ارزش‌های فرهنگی، باورها، جغرافیای فرهنگی، ریشه‌ها و ساختار فرهنگی نزدیکی بیشتری دارند، تعاملاتی را در زمینه فرهنگ دارند. اما مسأله اصلی این است که با وجود این تعاملات و همچنین علی‌رغم مطالعات زیادی که در زمینه فرهنگ در داخل و خارج از کشور انجام شده، فقدان یک الگوی مناسب برای کشور ایران جهت توسعه تعاملات فرهنگی مبتنی بر پدیده‌های جدید در عرصه جهان امروز مشاهده می‌شود. این امر باعث شده نتوانیم به موفقیت زیادی در اجرای اهداف فرهنگی مطرح شده در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز کشور دست یابیم. در این تحقیق سعی شده جایگاه و نقش قدرت فرهنگی (مؤلفه‌های فرهنگی) بر روند ارتباطات و تحولات عصر جهانی و پی‌آمدهای معطوف به آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. لذا این تحقیق در صدد است اولاً نقش و تأثیر فرهنگ را در مقایسه با سایر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی مورد کنکاش قرار داده و ثانیاً نسبت به شناسایی و تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه روابط فرهنگی در چهار بعد داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی و مشترک اقدام نماید. در این راستا با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جهت تدوین چارچوب نظری به مطالعات انجام شده قبلی مراجعه و سپس با استفاده از تکنیک نظر سنجی (پرسشنامه)، به بررسی و ارزیابی مؤلفه‌ها و متغیرهای تحقیق پرداخته و در نهایت از ترکیب نتایج به دست آمده یک مدل بر پایه مؤلفه‌های فرهنگی معرفی شده است.

۱. مبانی نظری و مدل تحقیق

۱-۱. جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن از لحاظ ایدئولوژیک شبیه برانگیز است، زیرا توجیه‌کننده این اندیشه است که گسترش فرهنگ غربی و جامعه سرمایه‌داری محصول نیروهایی است که از کنترل انسان خارج است و در جهت تغییر جهان عمل می‌کند. جهانی شدن نتیجه مستقیم گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر کره زمین است. این پدیده همچنین به طور ذاتی از طریق فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی با الگوی توسعه سرمایه‌داری همراه است. اما این گفته به این معنا نیست که سراسر

سیاره زمین باید غربی یا سرمایه داری شود، بلکه به این معنا است که هر نظام اجتماعی باید وضعیت خود را نسبت به غرب سرمایه داری سامان دهد یا به قول رابرتسون باید رابطه و نسبت خود را با آن بداند (کایگوسوز، ۲۰۱۲). جهانی شدن امروز به عنوان یک روند ایجاد فضای واحد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سیاره زمین شناخته می‌شود. این نشان دهنده این واقعیت است که فرهنگ جهانی روند مختلف توسعه اجتماعی و فرهنگی، ظهور الگوهای جهانی مصرف و مصرف‌گرایی، پرورش شیوه زندگی جهان وطنی، گسترش جهانی گردشگری، گسترش آموزش و پرورش در مقیاس جهانی، و کاهش در حاکمیت دولت‌های ملی را به ارمغان می‌آورد (پتروسکی، ۲۰۱۱).

جهانی شدن حامل ارزش‌هایی مانند دموکراسی، برابری، عدالت و آزادی است. به خصوص، در ۴۰ سال گذشته، این روند که گسترش یافته و حرکت جهان به سمت جهانی شدن توصیف شده است (کایگوسوز، ۲۰۱۲). «جهانی شدن به دنیایی ارجاع دارد که در آن جوامع، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها و اقتصادها تا حدودی به هم نزدیک گشته‌اند» (کیلی، ۱۹۹۸). بنا به گفته گیدنز (۱۹۹۰) این مفهوم را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی تبیین کرد که مکان‌های دوردست را به گونه‌ای به هم پیوند می‌دهد که به موجب آن رویدادهای محلی تحت تأثیر حوادثی شکل می‌گیرد که کیلومترها از هم فاصله دارند و بالعکس.

به اعتقاد گیدنز جهانی شدن به تلاقی حضور و غیاب، پیوند رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی دور از هم با بافت‌های محلی مربوط می‌گردد. گیدنز می‌گوید تحولات صورت گرفته در شیوه‌های ارتباطات و تولید، شناخت، فضای قلمرویی و زمان واقعی را تغییر داده است. اکنون رویدادهای محلی می‌توانند در اسرع وقت تحت تأثیر رخدادهای قدرتمندی قرار گیرند که در مسافت‌های دور و در آنچه وی آن را فاصله زمانی و مکانی می‌خواند به وقوع پیوندند. روابط اجتماعی که پیش از این مستلزم تماس رو در رو بود اکنون می‌تواند بین قاره‌ها و در یک بافت مجازی انجام پذیرد و در واقع می‌بینیم که زمان و مکان از بین رفته‌اند (کیلی - مارفلیت، ۱۳۸۰: ۲۳۷).

1. Petrovski
2. Kaygusuz

۱-۲. جهانی شدن فرهنگ

فرهنگ نظامی از ارزش‌ها، اعتقادات و آداب مشترک افراد اجتماع است که از طریق آن‌ها انسان‌ها به جهان خود معنا می‌دهند. از این رو تبدلات سیاسی و اقتصادی بدون فرهنگ غیرممکن است، برای این که ما در برابر مجموعه‌ای از کنش‌ها و اعمال قرار می‌گیریم که محتاج معنا هستند و این معنا را فقط فرهنگ به آن‌ها می‌دهد (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۱۱۵). نظریه جهانی شدن به بررسی پیدایش سیستم فرهنگی جهانی می‌پردازد. جهانی شدن امروز به عنوان یک روند ایجاد یک فضای واحد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سیاره زمین قابل درک است. این نشان دهنده این واقعیت است که فرهنگ جهانی روند مختلف توسعه اجتماعی و فرهنگی، ظهور الگوهای جهانی مصرف و مصرف‌گرایی را به ارمغان می‌آورد، پرورش شیوه زندگی جهان وطنی، ظهور ورزش جهانی مثل المپیک، مسابقات قهرمانی جهان و سایر رویدادهای ورزشی، گسترش جهانی گردشگری، آموزش و پرورش در مقیاس جهانی، و کاهش در حاکمیت دولت‌های ملی از جمله پیامدهای جهانی شدن است (پتروسکی، ۲۰۱۱). جهانی شدن شبکه‌ای به سرعت گسترش‌یابنده و همیشه متراکم شوند از «پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل» است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود.

می‌توان گفت که نظریه جهانی شدن در حوزه فرهنگ در مراحل اولیه آن، توسعه نظریه‌ای است که توسط مک لوهان در حوزه رسانه‌ها مطرح گردید. از دید مک لوهان ظهور ماهواره‌ها و بسط پوشش رسانه‌ای به غلبه فواصل مکانی و زمانی منتهی شده و اندازه جهان را در هیأت دهکده‌ای کوچک به یکدیگر متصل و نزدیک می‌سازد و به واسطه تقریب حاصل از توسعه فنی، جهان در مسیر درک تازه‌ای از یک هویت عام، یعنی هویت جهانی، قرار گرفته است (کچوئیان، ۱۳۸۶: ۷۹). گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه‌های گروهی از جمله تلویزیون، اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و ظهور رسانه‌های جهانی، باعث شده‌اند که مرزهای فرهنگی کشورها از بین رفته و مفهوم جغرافیای اجتماعی دچار تغییر و تحول اساسی گردد (راسل و دیگران، ۲۰۱۳). رابرتسون اعتقاد دارد که ادیان بزرگ و امپراتوری‌ها اشکالی از

جهانی کردن در قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخی بوده‌اند. وی معتقد است: تاریخ بشر پر از اندیشه‌هایی درباره ساخت فیزیکی، جغرافیایی و محل و موقع کیهان و همچنین مفهوم روحانی و یا غیر روحانی جهان بوده است. دست کم در دوهزاره گذشته جنبش‌ها و سازمان‌هایی مکرراً ظهور کرده‌اند که در مورد انگاره و یا یگانگی جهان به عنوان یک کل دل مشغولی نشان داده‌اند (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۹).

در زمینه جهانی شدن فرهنگ، نش به نقش مؤثر و زمینه‌ساز گسترش ارتباطات فرهنگی و تعاملات فرهنگی بین جوامع و نیز دسترسی آسان به اطلاعات اشاره دارد. به این صورت که دیگر دولت‌ها نمی‌توانند اتباع خود را در مقابل سیل اطلاعات جهانی نگه دارند. بنابراین او جهانی شدن فرهنگ را در ارتباط با مسأله رشد ارتباطات گسترده در سراسر جهان می‌داند و نه پذیرش و حرکت جوامع به سوی فرهنگ یکپارچه جهانی که همان فرهنگ غربی باشد. استدلال او این است که جهانی شدن فرهنگی امروزه به واسطه اموری مانند گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، جریان مهاجرت انسان‌ها و صنعت توریسم و ظهور «فرهنگ سوم» در کارکنان نهادهای اقتصادی و سیاسی جهان می‌باشد که یک به هم پیوستگی فرهنگی فزاینده‌ای در سراسر جهان به وجود آمده است (شیرودی ۱۳۸۶: ۶۵).

۳-۱. روابط فرهنگی

معمولاً روابط فرهنگی به عنوان روابط بین افراد از فرهنگ‌های ملی مختلف تعریف می‌کنند و بسیاری از دانشمندان آن را به روابط چهره به چهره محدود می‌نمایند (گودیکانست، ۲۰۰۲). فرهاد بیات (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول (۱۳۸۹) مجموعه مناسبات خارجی کشورها در حوزه‌های غیرسیاسی، اقتصادی و نظامی به خصوص در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، هنری، علمی، آموزشی، فنی، ورزشی، جهانگردی، میراث فرهنگی و باستان‌شناسی و... را روابط فرهنگی می‌نامد. وی به نقل از غلامعلی رعدی آذرخشی (۱۳۵۳) می‌نویسد: در جهان امروز ایجاد و توسعه روابط فرهنگی به معنایی که به آن

1. Gudykunst

اشاره شد پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه خاص قرار گرفته است. در تأیید این مطلب کافی است گفته شود که در منشور ملل متحد و همچنین اساسنامه سازمان یونسکو که هر دو بر اثر جنگ جهانی دوم به وجود آمدند بارها به اهمیت روابط فرهنگی و تأثیر این روابط در ایجاد حسن تفاهم و تأمین مقدمات صلح پایدار اشاره شده است.

۴-۱. فلسفه روابط بین فرهنگی

تحولات دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل، حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دستیابی به اهداف، بهبود و توسعه روابط میان دولت‌ها است، به نحوی که امروزه شاهد ظهور و تشکیل اتحادیه‌های فرهنگی در عرصه جهانی بوده تا از این طریق، زمینه تنازعات و چالش‌های بین‌المللی، برطرف و موجب هم‌گرایی دولت‌ها و ملت‌ها گردد. از این رو توسعه روابط بین‌الملل در سایه استفاده از بسترها و روابط فرهنگی از جمله اهداف مهم کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است که این مهم به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف، تعقیب می‌گردد. ارتباط، تعاریف متعددی دارد که ساماوار و همکارانش ۱۲۶ مورد آن را جمع‌آوری کرده‌اند. به طور کلی ارتباط را می‌توان شکلی از کنش متقابل دانست که از طریق نمادها صورت می‌گیرد. نمادها ممکن است اشاره‌ای، تصویری، تجسمی و لفظی باشند که به منزله محرکه رفتار عمل می‌کنند. این برداشت از مفهوم ارتباطات، بسیار قدیم و وسیع است و شامل جنگ، مهاجرت و انتقال فناوری نیز می‌شود. مفهوم ارتباطات بین فرهنگی مفهوم جدیدتری است که از دهه ۱۹۵۰ مطرح شده و گسترش یافته و در شرایط کنونی به دانشی بین‌رشته‌ای تبدیل شده است.

لوی اشتروس مردم‌شناس فرانسوی می‌گوید: تمامی فرهنگ‌ها آمیزه‌ای از مبادلات و دادوستدها هستند. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در پیشرفت موفق نقش موثر داشته باشد گشودگی فرهنگی در مقابل ایده‌های دیگر به همراه تمایل و قابلیت جذب و همسان‌سازی آن‌ها در فرهنگ خودی است. اگر تغییراتی که محصول ارتباطات بین فرهنگ و توسعه هستند، متأثر از عوامل داخلی و خارجی باشد در آن صورت اجتماعی که در خود فرو رفته حالت دفاعی به خود بگیرد اقبال متنفع شدن از تأثیرات خارجی را

از دست می‌دهد. نکته مهمی که لوی اشتروس به آن اشاره می‌کند، این است که گشودگی فرهنگی و جذب ایده‌های خارجی باید در قالب فرهنگ خودی انجام شود و به نوعی اصل فرهنگ سازی و همسان سازی ایده‌های دریافتی با مقتضیات فرهنگی درونی اشاره می‌کند. در واقع نقطه آغازین اوج گرفتن یک تمدن یا افول تمدن در همین جاست. چنانچه ما ایده‌های دریافتی را که از طریق گشودگی فرهنگی به دست می‌آوریم و بدون تغییر و بدون همسان سازی با فرهنگ خود مورد استفاده قرار دهیم، به وابستگی تکنولوژی و تمدنی دچار می‌شویم و کم‌کم تمدن ما رو به افول می‌نهد. در اینجا است که وقتی ما تغییرات لازم را که متناسب با فرهنگ ماست اعمال نکنیم و ایده یا تکنولوژی وارداتی را همان گونه که هست اعمال کنیم، مجبوریم به تناسب ایده وارداتی در فرهنگ خود تغییراتی را ایجاد کنیم. این اتفاق خواه یا ناخواه خواهد افتاد و اینجا است که به جای اینکه فرهنگ ما بر ایده خارجی غلبه داشته باشد و آن ایده در پارادایم فرهنگی ما حرکت کند ایده جدید بدون اینکه دستخوش تغییر شود ج وارد نظام فرهنگی می‌شود ما دچار مشکلات عدیده‌ای در زمینه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهیم شد چرا که فرهنگ و تغییرات آن بر کل جامعه تأثیر گذار است (فاضلی، ۱۳۷۶). تبادل فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است، اقتضای درونی و ذاتی فرهنگ‌ها، بالیدن و رشد یافتن (کارایی درونی)، به همراه میل به اشاعه و گسترش (کارایی بیرونی) آن‌هاست. کارایی بیرونی فرهنگ‌ها نیرومندترین عامل محرک تاریخ آینده خواهد بود که به صورت تبادل (تعاون) یا تعارض، آینده ملت‌ها را رقم خواهد زد (عیوضی، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

همچنین تعامل فرهنگ و ارتباطات از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر جهانی شدن است. این تعامل توسط رسانه‌های نوین گسترش یافته و تأثیرات آن‌ها در سطح جهانی شکل گرفته است. تعامل مزبور ظهور مکاتب فرهنگی جدید را به وجود آورده که رابطه عمیق با تحولات ارتباطات دارد (چیپر، ۲۰۱۳).

موضوع ارتباطات از زمانی که جهان سوم بحث «نظام جدید اطلاعات و ارتباطات» را در سازمان ملل، در یونسکو و در سایر مراکز سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دنیا

1. Chipper

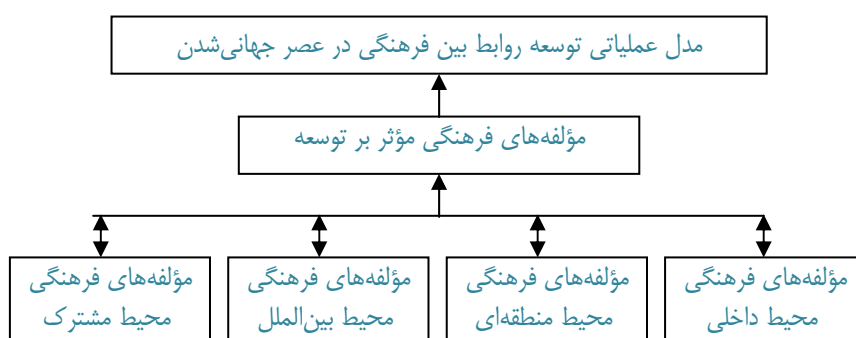
طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن

مطرح کرد در دستور روز روابط بین الملل قرار گرفته است. گرچه تلاش جهان سوم در این کار نتیجه مثبت و کاربردی که ملموس باشد به بار نیاورد، ولی در دهه اخیر با توسعه راه‌های به اصطلاح، اطلاعاتی و ارتباطی، ساختار فناوری و اقتصادی و سیاسی ارتباطات، تحولات نوینی دیده است و دنیای غرب نظام جدید خود را به دیگران تحمیل می‌کند (بیات، ۱۳۸۹).

شکل‌گیری فرهنگ جهانی با عوامل سیاسی، ملی و جهانی یعنی با عامل قدرت عمیقاً گره خورده است. این برداشت از رابطه میان فرهنگ و قدرت در ادبیات مارکسیستی دیده می‌شود. من باب مثال گرامشی نگرش مارکس نسبت به فرهنگ، شکل‌گیری و کارکرد آن را وارونه کرده است. از نظر مارکس فرهنگ روبنا است، فرهنگ نتیجه روابط طبقاتی ناشی از ساختار اقتصادی است در حالی که از نظر گرامشی فرهنگ زیربنا و عامل قدرت است (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

۲. مدل تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق، به مطالعات انجام شده قبلی مراجعه و سپس با استفاده از تکنیک نظر سنجی با ابزار پرسشنامه طراحی شده، به بررسی و ارزیابی مؤلفه‌ها و متغیرهای تحقیق پرداخته و در نهایت از ترکیب نتایج به دست آمده یک مدل بومی بر پایه مؤلفه‌های فرهنگی معرفی شده است. لذا مدل فرضی تحقیق مطابق شکل زیر می‌باشد.



نمودار ۱. مدل عملیاتی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن

۳. روش تحقیق

این پژوهش ویژگی‌های پژوهش بنیادی^۱ (پایه‌ای) و پژوهش کاربردی^۲ را دارد و به روش توصیفی^۳ و از نوع پیمایشی^۴ اجرا می‌شود. در این تحقیق، با استفاده از روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق، به مطالعات انجام شده قبلی مراجعه شده و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریه‌های مرتبط با موضوع، به تدوین شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق با ارائه مدل محقق ساخته پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مسئولان ارشد سیاست‌گذار و دست‌اندرکار امور فرهنگی و روابط بین‌الملل در سازمان‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت امور خارجه، سازمان صدا و سیما، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرکز ملی مطالعات جهانی شدن می‌باشند. به منظور بررسی نظرات جامعه آماری محدود و با هدف افزایش دقت نتایج از روش نمونه‌گیری هدفمند و روش سرشماری استفاده شده است. تعداد نمونه برآورد شده ۱۲۰ نفر بود که پرسشنامه پژوهش برای آن‌ها ارسال و از این تعداد ۱۰۸ نفر به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. دامنه ضریب قابلیت اعتماد از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شده است. در این تحقیق ابتدا ۳۰ پرسشنامه به صورت تصادفی در جامعه آماری توزیع شد. سپس آلفای کرونباخ برای آن محاسبه شد که ۰/۹۵ به دست آمد. با توجه به قابل قبول بودن این مقدار، پرسشنامه در بین جامعه نمونه توزیع شد که آلفای کرونباخ به دست آمده برای آن ۰/۹۶ گزارش گردید که حاکی از اعتبار (پایایی) بالای ابزار اندازه‌گیری و نتایج مشابه دارد. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی از کمینه، بیشینه، انحراف معیار و میانگین و در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های «خی دو»، فریدمن و اسپیرمن» استفاده شده است.

1. Fundamektal Research
2. Apphied Research
3. Descriptive Method
4. Survey

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. اهمیت مؤلفه‌های قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی در عصر جهانی شدن

برای بررسی تأثیر و اهمیت مؤلفه‌های قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی در عصر جهانی شدن از آزمون کای دو استفاده و نتایج حاصله از جدول شماره ۱ نشان داد که مقادیر معنی‌داری برای هر چهار مؤلفه صفر بوده، که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است و این به معنای رد فرض صفر می‌باشد، یعنی فرض بی‌اثر بودن مؤلفه‌ها رد شده و به عبارتی تک تک این مؤلفه‌ها در توسعه روابط عصر حاضر تأثیر گذار هستند.

جدول ۱. نتایج آزمون کای دو، بررسی تأثیر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی

| مؤلفه سیاسی | مؤلفه اقتصادی | مؤلفه فرهنگی | مؤلفه نظامی | |
|-------------|---------------|--------------|-------------|-------------|
| ۶۱/۷۷۸ | ۷۹/۹۲۶ | ۸۷/۰۹۳ | ۴۳/۳۸۹ | Chi-Square |
| ۳ | ۳ | ۴ | ۴ | Df |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | Asymp. Sig. |

۴-۲. آزمون فریدمن: ترتیب اهمیت مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی در عصر جهانی شدن

برای پی بردن به اولویت اهمیت این مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد و با توجه به مقدار معناداری به دست آمده که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، تفاوت میانگین رتبه تأثیرگذاری مؤلفه‌ها معنادار و به زبانی ساده‌تر تأثیر این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن متفاوت است. این تفاوت رتبه و ترتیب اولویت مؤلفه‌ها در جدول و شکل زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون فریدمن: رتبه بندی میزان اهمیت مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی

| رتبه | مؤلفه | میانگین رتبه | میزان اهمیت | ارزش خیلی زیاد | ارزش زیاد |
|------|---------|--------------|-------------|----------------|-----------|
| ۱ | اقتصادی | ۲/۸۷ | ۸۷ | ۵۳/۷ | ۳۳/۳ |
| ۲ | سیاسی | ۲/۷۴ | ۸۸ | ۵۰ | ۳۸ |
| ۳ | فرهنگی | ۲/۶۰ | ۸۳/۳ | ۴۸/۲ | ۳۵/۲ |
| ۴ | نظامی | ۱/۸۰ | ۶۰/۸ | ۲۱/۵ | ۳۹/۳ |

Asymp. Sig.= 0.000 df=3 Chi-Square =66.637 N= 108

اما نتیجه مهم این که، اگرچه ۸۳/۳ درصد افراد گروه نمونه به تأثیر خیلی زیاد و زیاد مؤلفه فرهنگی در عصر جهانی شدن معتقد بوده‌اند، اما نتایج آزمون فریدمن نشان داد که فرهنگ در جایگاه و اولویت سوم ارزش‌ها قرار دارد و مؤلفه اقتصادی دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه نظامی از کمترین تأثیر برخوردار بوده. بنابراین از نظر گروه نمونه قدرت فرهنگی از اولویت پایین تری نسبت به مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی برخوردار است. در حالی که از آن چه در مروری بر ادبیات موضوع گذشت این نتیجه حاصل گردید که فرهنگ نه تنها همتای سایر عوامل قدرت می‌باشد بلکه در عصر جهانی شدن مهم ترین عامل قدرت در توسعه روابط محسوب می‌گردد. البته ذکر این مطلب ضروری است که از نظر گروه نمونه ارزش تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار زیاد و دارای میانگین رتبه نزدیک به هم می‌باشند در حالی که مؤلفه نظامی، اختلاف قابل ملاحظه تری نسبت به سه مؤلفه دیگر دارد.

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن.....

۳-۴. آزمون اسپیرمن: بررسی همبستگی بین مؤلفه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی

جدول ۳. نتایج آزمون اسپیرمن: بررسی همبستگی بین مؤلفه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی

| مؤلفه نظامی | مؤلفه فرهنگی | مؤلفه اقتصادی | مؤلفه سیاسی | | |
|-------------|--------------|---------------|-------------|--------------|---------------|
| ۰/۱۲۸ | ۰/۲۶۵ | ۰/۵۲۳ | ۱ | ضریب همبستگی | مؤلفه سیاسی |
| ۰/۱۸۷ | ۰/۰۰۶ | ۰/۰۰۰ | ۰ | معناداری | |
| ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | تعداد | |
| ۰/۰۸۵ | **۰/۳۲۴ | ۱ | **۰/۵۲۳ | ضریب همبستگی | مؤلفه اقتصادی |
| ۰/۳۸۲ | ۰/۰۰۱ | ۰ | ۰/۰۰۰ | معناداری | |
| ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | تعداد | |
| -۰/۰۸۳ | ۱ | ۰/۳۲۴ | ۰/۲۶۵ | ضریب همبستگی | مؤلفه فرهنگی |
| ۰/۳۹۶ | ۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۶ | معناداری | |
| ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | تعداد | |
| ۱ | -۰/۰۸۳ | ۰/۰۸۵ | ۰/۱۲۸ | ضریب همبستگی | مؤلفه نظامی |
| ۰ | ۰/۳۹۶ | ۰/۳۸۲ | ۰/۱۸۷ | معناداری | |
| ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | ۱۰۸ | تعداد | |

۴-۴. آزمون کای دو: بررسی تأثیر مؤلفه های فرهنگی محیط داخلی بر توسعه روابط

با توجه به نتایج بالا مقدار معناداری برای تمامی مؤلفه های فرهنگی در سطح داخلی صفر بوده و کمتر از سطح معنی داری یعنی ۰/۰۵ می باشد. پس فرض صفر رد شده و مؤلفه های فرهنگی محیط داخلی بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن تأثیر گذار می باشند.

جدول ۴. نتایج آزمون کای دو: بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط داخلی بر توسعه روابط

| بکارگیری نیروهای بومی | ایجاد مشارکت | تقویت ارزش‌های ملی | ترغیب هویت ملی | رویکرد تکثر | توجه به مذاهب | تقویت روحیه ملی | درک عوامل قومی | تجربه تاریخی | انسجام ملی | |
|-----------------------|--------------|--------------------|----------------|-------------|---------------|-----------------|----------------|--------------|------------|-------------|
| b۵۳/۵۵۶ | a۱۱۰/۷۰۴ | b۸۰/۰۰۰ | b۸۶/۶۶۷ | a۶۵/۷۹۶ | a۸۹/۶۸۵ | b۱۰۹/۴۴۴ | b۵۷/۲۲۲ | a۴۰/۹۸۱ | a۸۶/۸۱۸ | Chi-Square |
| ۵ | ۴ | ۵ | ۵ | ۴ | ۴ | ۵ | ۵ | ۴ | ۴ | Df |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | Asymp. Sig. |

۴-۵. آزمون فریدمن: بررسی ترتیب اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی محیط داخلی بر توسعه روابط

برای پی بردن به اولویت اهمیت این مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد و با توجه به مقدار معناداری بدست آمده که کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است، تفاوت میانگین رتبه تأثیرگذاری مؤلفه‌ها معنادار و به زبانی ساده‌تر تأثیر این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن متفاوت است. نتایج آزمون فریدمن نشان داد که «ایجاد مشارکت حداکثری» بیشترین تأثیر و مؤلفه «بکارگیری نیروهای بومی» کمترین تأثیر را بر توسعه روابط دارا می‌باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون فریدمن: رتبه اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی داخلی بر توسعه روابط

| رتبه اولویت | مؤلفه‌های فرهنگی محیط داخلی | میانگین رتبه |
|-------------|-----------------------------|--------------|
| ۱ | ایجاد مشارکت حداکثری | ۶/۶۵ |
| ۲ | انسجام ملی | ۶/۲۸ |
| ۳ | توجه به همه مذاهب | ۶/۱۳ |
| ۴ | رویکرد تکثرگرایی فرهنگی | ۵/۸۹ |
| ۵ | تقویت روحیه ملی | ۵/۷۴ |
| ۶ | ترغیب نگرش هویت ملی | ۵/۳۴ |
| ۷ | تقویت باورها و ارزش‌های ملی | ۴/۹۹ |
| ۸ | تجربه‌های تاریخی | ۴/۸۵ |
| ۹ | درک عوامل نژادی و قومی | ۴/۶۰ |
| ۱۰ | بکارگیری نیروهای بومی | ۴/۵۲ |

Asymp. Sig. = 0.000 Chi-Square = 84.215 df = 9 N = 108

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن.....

۴-۶. آزمون کای دو: بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط منطقه‌ای بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن.

نتایج نشان داد که مقادیر معناداری برای هر یک از مؤلفه‌ها صفر بوده، که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، به عبارتی تک تک این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط تأثیر گذار هستند.

جدول ۶. نتایج آزمون کای دو، بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط منطقه‌ای بر توسعه روابط

| ایجاد کانون نخبگان مسلمان | تشکیل حوزه‌های مشترک فقهی | شناسایی اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی - مذهبی | استفاده از تجربیات تاریخی موفق | تشکیل NGOهای مذهبی و فرهنگی | تشکیل بنیادهای فراملی و وحدت‌گرا | تعریف مبانی وحدت اسلامی و منطقه‌ای | تشکیل شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای اسلامی | تقویت همکاری منطقه‌ای و جهان اسلام | |
|---------------------------|---------------------------|---|--------------------------------|-----------------------------|----------------------------------|------------------------------------|--|------------------------------------|-------------|
| a۱۳/۲۰۴ | b۳۸/۵۵۶ | a۵۸/۲۹۶ | b۸۰/۸۸۹ | b۸۲/۶۶۷ | b۸۳/۱۱۱ | b۷۲/۵۵۶ | a۵۷/۴۶۳ | a۹۱/۸۱۵ | Chi-Square |
| ۴ | ۵ | ۴ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۴ | ۴ | Df |
| ۰/۰۱۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | Asymp. Sig. |

۴-۷. آزمون فریدمن: بررسی ترتیب اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی محیط منطقه‌ای بر توسعه روابط

برای پی بردن به اولویت اهمیت این مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد، و با توجه به مقدار معناداری به دست آمده که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، تفاوت میانگین رتبه تأثیر گذاری مؤلفه‌ها معنادار و به زبانی ساده‌تر تأثیر این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن متفاوت است.

جدول ۷. نتایج آزمون فریدمن، رتبه اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی منطقه‌ای بر توسعه روابط

| رتبه اولویت | مؤلفه‌های فرهنگی محیط منطقه‌ای | میانگین رتبه |
|-------------|--|--------------|
| ۱ | تقویت همکاری منطقه‌ای و جهان اسلام | ۶/۱۵ |
| ۲ | تشکیل شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای اسلامی | ۵/۳۸ |
| ۳ | شناسایی اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی - مذهبی | ۵/۳۷ |
| ۴ | تشکیل NGOهای مذهبی و فرهنگی | ۵/۲۱ |
| ۵ | استفاده از تجربیات تاریخی موفق | ۵/۲۰ |
| ۶ | تشکیل بنیادهای فراملی وحدت‌گرا | ۵/۱۳ |
| ۷ | تعریف مبانی وحدت (اسلامی و منطقه‌ای) | ۴/۸۳ |
| ۸ | ایجاد کانون نخبگان مسلمان | ۴/۱۹ |
| ۹ | تشکیل حوزه‌های مشترک فقهی | ۳/۵۵ |

Asymp. Sig. = 0.000 df = 8 Chi-Square = 95.611 N = 108

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که «تقویت همکاری منطقه‌ای و جهان اسلام» بیشترین تأثیر و مؤلفه «تشکیل حوزه‌های مشترک فقهی» کمترین تأثیر را بر توسعه روابط در بین سایر مؤلفه‌ها دارا می‌باشد.

۴-۸. آزمون کای دو: بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط بین‌الملل بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن

نتایج حاصله از آزمون کای دو، نشان داد که مقادیر معناداری برای هر یک از مؤلفه‌ها صفر بوده، که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است و این به معنای رد فرض صفر می‌باشد، به عبارتی تک تک این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط تأثیر گذار هستند.

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن.....

جدول ۸. نتایج آزمون کای دو، بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط بین‌الملل بر توسعه روابط

| | | |
|---|------------------------------|-------------|
| ایفای نقش فعال در سازمان‌های بین‌المللی | تشکیل NGOهای فرهنگی، اجتماعی | |
| a ۱۲۶/۳۵۲ | b ۵۰/۰۰۰ | Chi-Square |
| ۴ | ۳ | Df |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۰۰۰ | Asymp. Sig. |

۹-۴. آزمون فریدمن: بررسی ترتیب اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی محیط بین‌الملل بر توسعه روابط

با توجه به مقدار معناداری بدست آمده که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، تفاوت میانگین رتبه تأثیر گذاری مؤلفه‌ها معنی دار و به زبانی ساده تر تأثیر این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن متفاوت است.

جدول ۹. نتایج آزمون فریدمن، رتبه اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی محیط بین‌الملل بر توسعه روابط

| | | |
|---|---|--------------|
| رتبه اولویت | مؤلفه فرهنگی محیط بین‌الملل | میانگین رتبه |
| ۱ | ایفای نقش فعال در سازمان‌های بین‌المللی | ۱/۵۶ |
| ۲ | تشکیل NGOهای فرهنگی، اجتماعی | ۱/۴۴ |
| Asymp. Sig. = 0.042 df = 1 Chi-Square = 4.122 N = 108 | | |

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که «ایفای نقش فعال در سازمان‌های بین‌المللی» بیشترین تأثیر و مؤلفه «تشکیل NGOهای فرهنگی، اجتماعی» کمترین تأثیر را بر توسعه روابط در محیط بین‌الملل دارا می‌باشد.

۱۰-۴. آزمون کای دو: بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط مشترک بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن

نتایج نشان داد که مقادیر معناداری برای هر یک از مؤلفه‌ها صفر بوده، که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است و این به معنای رد فرض صفر می‌باشد، به عبارتی تک تک این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط تأثیر گذار هستند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون کای دو، تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی محیط مشترک بر توسعه روابط

| asymp.sig | df | chi-square | کای دو مشترک |
|-----------|----|------------|-----------------------|
| . | ۴ | ۶۵/۲۴۱ | واردات و صادرات |
| . | ۴ | ۱۴۸/۳۸۹ | شبکه‌های رسانه‌ای |
| . | ۴ | ۱۱۳/۸۵۲ | گسترش مبادلات آموزشی |
| . | ۴ | ۷۸/۵۷۴ | رفع سوء تفاهات |
| . | ۴ | ۵۱/۵۳۷ | شناسایی ارزش‌ها |
| . | ۵ | ۹۹/۸۸۹ | اشتراکات و تفاوت‌ها |
| . | ۵ | ۷۸/۶۶۷ | شناخت سوابق فرهنگی |
| . | ۵ | ۱۴۱/۸۸۹ | ارائه تصویر مطلوب |
| . | ۵ | ۱۳۸/۴۴۴ | طراحی استراتژی مقبول |
| . | ۴ | ۹۸/۲۰۴ | زدودن ذهنیت‌های منفی |
| . | ۵ | ۱۵۶/۴۴۴ | مواضع مقبول |
| . | ۵ | ۱۴۷/۶۶۷ | خدمات بشر دوستانه |
| . | ۵ | ۱۰۱/۱۱۱ | تشکیل انجمن‌های دوستی |
| . | ۶ | ۲۲۸/۲۵۹ | کسب اعتبار بین‌المللی |
| . | ۵ | ۷۹/۱۱۱ | جذابیت ایدئولوژی |
| . | ۴ | ۷۴/۱۳ | کاهش تضادهای فرهنگی |
| . | ۴ | ۵۹/۵۹۳ | پرهیز نگاه حداقلی |
| . | ۴ | ۱۰۷/۲۷۸ | مناسبات گردشگری |
| . | ۳ | ۵۵/۴۰۷ | کسب جایگاه علمی |
| . | ۴ | ۴۶/۹۰۷ | ترویج زبان و ادبیات |
| . | ۴ | ۲۹/۶۸۵ | تبلیغ ارزش‌های متعالی |
| . | ۴ | ۱۶۱/۷۴ | توانمندی اقتصادی بالا |
| . | ۶ | ۱۶۱/۳۷ | تدوین سیاست واحد |
| . | ۵ | ۲۳۹/۷۷۸ | بکارگیری نیروی متخصص |
| . | ۵ | ۱۲۱/۷۷۸ | رفع تناقضات حقوقی |
| . | ۳ | ۵۴/۸۸۹ | تکنولوژی |
| . | ۴ | ۱۰۳/۹۴۴ | نهادهای بین‌المللی |

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن

۱۱-۴. آزمون فریدمن: بررسی ترتیب اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی محیط مشترک بر توسعه روابط

با توجه به مقدار معناداری به دست آمده که کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، تفاوت میانگین رتبه تأثیرگذاری مؤلفه‌ها معنی دار و به زبانی ساده تر تأثیر این مؤلفه‌ها بر توسعه روابط در عصر جهانی شدن متفاوت است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون فریدمن، رتبه اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی محیط مشترک بر توسعه روابط

| رتبه اولویت | مؤلفه‌های فرهنگی محیط مشترک | میانگین رتبه |
|-------------|---|--------------|
| ۱ | بکارگیری نیروی متخصص در دستگاه سیاست خارجی | ۱۷/۴۰ |
| ۲ | توانمندی و امنیت اقتصادی بالا | ۱۶/۹۵ |
| ۳ | برخورداری از شبکه‌های رسانه‌ای قوی جهان گستر | ۱۶/۷۹ |
| ۴ | کسب اعتبار بین‌المللی | ۱۵/۸۹ |
| ۵ | گسترش مبادلات آموزشی، علمی، مذهبی، ورزشی، هنری، زبان | ۱۵/۴۹ |
| ۶ | نهادهای بین‌المللی | ۱۵/۲۶ |
| ۷ | گسترش مناسبات گردشگری | ۱۵/۱۴ |
| ۸ | اتخاذ مواضع مقبول در بحران‌های بین‌المللی | ۱۵/۰۵ |
| ۹ | ارائه تصویر مطلوب از خود | ۱۴/۹۴ |
| ۱۰ | کسب جایگاه علمی پیشرفته | ۱۴/۷۶ |
| ۱۱ | تکنولوژی | ۱۴/۶۹ |
| ۱۲ | ارائه خدمات بشر دوستانه | ۱۴/۶۲ |
| ۱۳ | طراحی استراتژی و سیاست‌های مقبول | ۱۴/۴۶ |
| ۱۴ | تدوین نظام‌نامه سیاست خارجی واحد | ۱۴/۱۹ |
| ۱۵ | زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی | ۱۴/۱۱ |
| ۱۶ | رفع سوء تفاهم‌ها | ۱۴/۱۰ |
| ۱۷ | رفع تناقضات حقوقی در سیاست خارجی | ۱۴/۰۱ |
| ۱۸ | کاهش تضادهای قومی، مذهبی، فرهنگی... | ۱۳/۷۵ |
| ۱۹ | واردات و صادرات کالاهای فرهنگی (ترجمه، نشر، رسانه، تولید، پخش، همایش‌ها...) | ۱۳/۲۲ |
| ۲۰ | تشکیل انجمن‌های دوستی با کشورهای مختلف | ۱۳/۰۸ |
| ۲۱ | پرهیز از نگاه حداقلی به مذاهب | ۱۲/۸۴ |

| رتبه اولویت | مؤلفه‌های فرهنگی محیط مشترک | میانگین رتبه |
|-------------|-------------------------------------|--------------|
| ۲۲ | شناسایی اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی | ۱۲/۵۳ |
| ۲۳ | شناسایی ارزش‌های غالب درون فرهنگ‌ها | ۱۱/۸۷ |
| ۲۴ | جذابیت ایدئولوژی و ارزش‌ها | ۱۱/۶۷ |
| ۲۵ | شناخت سوابق فرهنگی | ۱۰/۵۸ |
| ۲۶ | تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی | ۱۰/۳۲ |
| ۲۷ | ترویج زبان و ادبیات | ۱۰/۲۶ |

Asymp. Sig. = 0.000 Chi-Square = 250.595 df = 26 N = 108

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که «به کارگیری نیروهای متخصص در دستگاه سیاست خارجی» بیشترین میانگین رتبه تأثیرگذاری و مؤلفه «ترویج زبان و ادبیات» کمترین رتبه یا کمترین اهمیت را دارد. توضیح اینکه با توجه به تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها مدل نهایی توسعه روابط بین‌الملل به صورت زیر می‌باشد.

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن.....



شکل ۲. مدل عملیاتی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن

۵. نتیجه‌گیری

امروزه ضرورت ارتباطات و تعاملات فرهنگی برکسی پوشیده نیست. بر اساس این واقعیت که جهانی شدن مستلزم آگاهی جدید از جهان به عنوان یک فضای واحد و محلی که در آن همه افراد با انواع پس زمینه و تفاوت‌های فرهنگی نیاز به تعامل دارند، توجه به مسائل مربوط به ارتباطات بین فرهنگی و عوامل بهبود آن‌ها بیش از پیش مورد نیاز است. از طرفی، با وجود تعاملات فرهنگی دیرینه در بین جوامع فرهنگی و کشورها و علی‌رغم مطالعات زیادی که در زمینه فرهنگ در داخل و خارج از کشور انجام شده، فقدان یک الگوی مناسب برای کشور ایران جهت توسعه تعاملات فرهنگی در عرصه جهان امروز مشاهده می‌شود. این امر باعث شده نتوانیم به موفقیت زیادی در اجرای اهداف فرهنگی مطرح شده در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز کشور دست یابیم. لذا این پژوهش چهار مؤلفه قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که می‌توانند مؤلفه‌های مهمی در توسعه ارتباطات بین فرهنگی در عصر جهانی شدن باشند را مورد مطالعه قرار داده و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و نیز اهمیت هر یک را در توسعه ارتباطات بین فرهنگی کشور در عصر جهانی شدن بررسی نموده است.

هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی الگوی توسعه ارتباطات بین فرهنگی کشور در عصر جهانی شدن بوده است. این پژوهش با هدف کاربردی و از نظر نوع داده‌ها کیفی و کمی انجام شده است. از نوع تحقیقات ترکیبی به شمار می‌آید که در قالب شیوه‌های کیفی - کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها کیفی و از نظر نحوه اجرای تحقیق در زمره تحقیقات پیمایشی قرار می‌گیرد. در بخش کیفی از شیوه مصاحبه هدفمند (در جهت شناسایی مؤلفه‌های توسعه تعاملات فرهنگی در عصر جهانی شدن) استفاده شد و در بخش کمی (پس از تدوین شاخص‌ها و پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها) از پرسشنامه استفاده شده است.

با توجه به بررسی ادبیات و پیشینه مرتبط با پژوهش می‌توان دریافت، مسأله بسیار مهمی که در شرایط بحران جهانی طرح شده و در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته این است که آن دسته از کشورها که توانسته‌اند در عرصه جهانی از سطح ارتباطات،

طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن

سازگاری و تعاملات فرهنگی خوبی برخوردار باشند، در حل بحران کامیاب‌ترند. این اتفاق در ایران نیز می‌تواند بیفتد. نهاد دولت در ایران باید در تعامل مثبت با جهان قرار گیرد و علاوه بر تقویت دیپلماسی، ارتباطات و تعاملات فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری بین‌المللی، در فضای جهانی شدن چتر بزرگی بر سر بنگاه‌های ایرانی باز کند تا با افزایش قدرت رقابت آن‌ها، به توانند با بنگاه‌های دیگر داد و ستد سرمایه، کالا و خدمات در شرایط مطلوب انجام دهند و از مزیت‌های این مبادله به نفع منافع ملی استفاده کنند. در جهان امروز، بدون تعامل گسترده با دنیا نمی‌توان وضعیت اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و فرهنگی جامعه را سامان داد. باید سرمایه مالی، انسانی، علمی، فناوری، کالا و خدمات تبادل شود. مدیریت این وضعیت در شرایط جدید جهانی، نیازمند مدیران فرهیخته است. با توجه به پتانسیل اقتصاد گسترده‌ای که در حوزه منابع طبیعی و گردشگری داریم و سنت‌های قوی که در کشورمان وجود دارد، ایران پایه‌های حضور پرتوان را در شرایط جدید دارد و می‌توان با استفاده از آن‌ها ضریب اعتمادسازی میان شهروندان و نهاد دولت را بالاتر برد و این در بهبود شرایط زندگی شهروندان یک عنصر حیاتی است.

براساس نتایج حاصل از تحقیق برای دستیابی به توسعه روابط بین فرهنگی پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. از مرور ادبیات تحقیق در بحث اولویت‌ها و غلبه هر کدام از اجزای تشکیل‌دهنده قدرت ملی در عرصه سیاست‌گذاری به نقل از فرانکل (۱۳۸۲) این گونه بیان شد که رویکرد قدرت ملی در فضای جهانی شدن از نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به رویکرد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی تغییر یافته است. با توجه به نتایج حاصله این رویکرد در تحقیق حاضر بصورت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی تجلی می‌یابد. لذا ضروری است مسئولین و سیاست‌گذاران کلان کشور نسبت به انطباق رویکرد داخلی با رویکرد جامعه جهانی در میان مدت اقدام نماید. در نیل به این هدف و بر طبق مبانی نظری تحقیق، توسعه جامعه بشری در اساس از درون صورت می‌گیرد، این نکته نشان می‌دهد که در مناسبات روابط بین‌الملل باید دگردیسی ایجاد و به مؤلفه‌های درونی جامعه توجه کرد تا از پراکنندگی در عمل و تناقض در رفتار جلوگیری نمود.

۲. بر اساس یافته‌های این پژوهش به سیاست‌گذاران کلان فرهنگی کشور پیشنهاد می‌شود جهت مدیریت روابط داخلی از مؤلفه‌های استخراج شده و به ترتیب اولویت زیر استفاده نمایند: ۱- ایجاد مشارکت حداکثری، ۲- انسجام ملی، ۳- توجه به همه مذاهب، ۴- رویکرد تکثرگرایی فرهنگی، ۵- تقویت روحیه ملی، ۶- ترغیب نگرش هویت ملی، ۷- تقویت باورها و ارزش‌های ملی، ۸- تجربه‌های تاریخی، ۹- درک عوامل نژادی و قومی و ۱۰- بکارگیری نیروی بومی.

در محیط روابط خارجی، جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلفی روبروست که هر یک از آن‌ها در مناسبات خود به نکات خاصی اهمیت می‌دهند. از سویی فرهنگ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران از قابلیت‌هایی برخوردار است که از مؤلفه‌های آن می‌تواند متناسب با هر یک از این کشورها استفاده کند. بنابراین، مخاطب‌شناسی در سیاست خارجی جایگاه مهمی دارد و نباید در این عرصه از الگوی غیرسیستماتیک استفاده کرد در این رابطه لازم است، همه مؤلفه‌های فرهنگی جامعه ایرانی، برای رفتار فرهنگی در عرصه جهانی مد نظر قرار گیرد.

در واقع همان‌طور که قبل از این گفته شد، فرهنگ سیاسی ایران ملهم از ارزش‌های ملی، اسلامی و فرهنگ جهانی است. بنابراین، مؤلفه اول می‌تواند ضامن استقلال و هویت ملی ما باشد، مؤلفه دوم می‌تواند ما را در نزدیک کردن به کشورهای اسلامی کمک کند. مؤلفه فرهنگی سوم یعنی مؤلفه‌های فرهنگ جهانی می‌تواند سبب پیوند بیشتر ما با محیط منطقه‌ای و بین‌الملل گردد.

- استفاده از اشتراکات و قرابت‌های فرهنگی و تلاش برای گسترش حوزه تمدنی و همگرایی فرهنگی.
- شناسایی و معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی و بهره‌گیری از مؤلفه‌های آن برای همگرایی منطقه‌ای.
- معرفی و برجسته‌سازی ظرفیت‌های فرهنگی، سرمایه‌های مادی فرهنگی، میراث فرهنگی، اندیشمندان تاریخی و...
- معرفی و برجسته‌سازی ویژگی‌ها و عناصر مادی تمدن ایرانی.
- افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات.
- توجه به غنای فرهنگی و بهره‌گیری حداکثر از آن.

- سرمایه گذاری در حوزه صنایع فرهنگی و ساماندهی آن براساس ویژگی های فرهنگی تمدن ایرانی و نیاز روز.
- بسترسازی با هدف انتقال عناصر فرهنگی از طریق رسانه ها مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره، سایت های اینترنتی و...
- گسترش رسانه های مکتوب و ترجمه آن ها، دوبله فیلم ها و انتقال آن ها از طریق ارتباطات رسمی.
- در بخش ارتباطات غیررسمی تلاش برای ارتباط با NGOها، نشست با اندیشمندان و نخبگان سایر کشورها برای تبیین ظرفیت های فرهنگی ایرانی و جذب آن ها.
- استفاده از ابزارهای شعر، موسیقی و هنرهای دیگر برای انتقال و تبادل فرهنگی.
- گسترش گردشگری با هدف گسترش ظرفیت های فرهنگی ایران.
- اعتلای آگاهی های عمومی در زمینه های مختلف جهت شکوفایی استعدادها و روحیه تحقیق و تتبع و ابتکار.
- گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف.
- تقویت روح تحقیق، مطالعه، تتبع و ابتکار در تمام زمینه های فرهنگی از طریق تشویق و حمایت نویسندگان، شعرا، ادبا و هنرمندان.
- معرفی و بزرگداشت علما، عرفا و شخصیت های فرهنگی و تولید و نشر آثار مربوط به آنان و پرورش استعدادها و ذوق فرهنگی و هنری افراد.
- انجام مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی و حمایت از پژوهش های ایرانی به ویژه در زمینه شناخت ادیان، فرق، فرهنگ ملل و ساختار جریان های فرهنگی در جوامع مختلف.
- شناخت جمعیت ها، انجمن ها و شخصیت های فرهنگی جهان.
- اشاعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی و تقویت کرسی های زبان فارسی و ایران شناسی.
- گسترش و تقویت مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به منظور مبادلات فرهنگی و عرضه صحیح فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی.

- ساماندهی و هماهنگی کلیه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور.
- ایجاد پژوهشکده‌های مشترک (کشورهای حوزه فرهنگ و تمدنی ایران) برای مطالعه و تحقیق پیرامون مولفه‌های مشترک فرهنگ و تمدن ایرانی (ایران باستان، ایران بعد از اسلام، اندیشمندان تاریخی مشترک مانند رودکی، مولوی، حافظ و...).

فهرست منابع

منابع فارسی

- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱). جهانی شدن و سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
- بیات، فرهاد (۱۳۸۹). مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول: نهادها و مراکز فرهنگی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران.
- پورحسن، ناصر (۱۳۷۹). فناوری ارتباطی، حاکمیت دولت‌ها و تبادل فرهنگ‌ها. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶، زمستان.
- جهانگیرلو، رامین (۱۳۸۴). ایران در جستجوی مدرنیته، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- رابرتسون، رونالد (۱۹۹۲). جهانی شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- شولت، پیتر (۱۳۸۲). اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- شولت، آرت یان (۱۳۶۹). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات یونسکو، چاپ اول.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶). جهانی شدن و چهره زیبای زائوس، سایت آینده نگری ایران.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۷۹). تبادل فرهنگی؛ پیش‌نیازها و کارکردها. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶، زمستان.
- فاضلی، نعمت‌الله، فاضلی، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ و توسعه: رهیافت مردم‌شناختی به توسعه، یونسکو، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۶). نظریه‌های جهانی شدن پیامدهای چالش‌های فرهنگ و دین، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- کیلی، ری، مارفیلیت، فیل (۱۳۸۰). جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورانی بیدختی، مجیدعلی شیخ‌علیان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). جهان رهاشده، ترجمه اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: تولید دانش، چاپ سیزدهم.

منابع لاتین

- Brown A. (2012). Cross-Cultural Interaction Theories in Classical Archaeology. Suffolk

- County Council Archaeological Service, Bury St. Edmunds, Suffolk, UK.
- Chiper S. (2013). Teaching intercultural communication: ICT resources and best Practices, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 93 (2013) 1641 – 1645.
- Debry, D. P. (2002). Analysis of emerging practices in globalizing instructional materials. *Educational Technology Research and Development*, 50(4), 73–82.
- Gudykunst, W. B. (2002). Intercultural communication. In W. B. Gudykunst, & B. Mody (Eds.), *Handbook of international and intercultural communication* (pp. 179–182). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Kaygusuz C. (2012). Psychological counselling within the context of globalization and multiculturalism. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 47 (2012) 895 – 902.
- Petrovski V. (2011). Multiculturalism, globalization and the implications on education. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 15 (2011) 1366–1371.
- Robertson, R. (1992). "Globalization", Sage Publisher, London.
- Rozkwitalska, M., (2010). Bariery w zarządzaniu międzykulturowym. Perspektywa filii zagranicznych korporacji transnarodowych (publikacja przyjęta do druku). Warszawa: Oficyna (Wolters Kluwer Business).
- Russell L. R., Kinuthia W. L., Lokey-Vega A., Tsang-Kosma W. and Madathany R. (2013). Identifying complex cultural interactions in the instructional design process: a case study of a cross-border, cross-sector training for innovation program. *Education Tech Research Dev* (2013) 61:707–732.
- Tartaron T. F. (2012). *Cross-Cultural Interaction in the Greek World: Culture Contact Issues and Theories*. Department of Classical Studies, University of Pennsylvania, Philadelphia, PA, USA.